

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن د هيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن د هيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد هاشم رائق  
ورجینیا- اضلاع متحده امریکا  
۲۹ جون ۲۰۱۱

## قصه از یاد رفته

دو شاعر فرهیخته و گرانمایه، "استاد محمد نسیم اسیر" و "محترم تیمورشاه تیموری" اشعار زیبایی دارند، در عین ردیف - ولو با اوزان و قوافی مختلف - که هر دو به تاریخ ۲۸ جون ۲۰۱۱ در پورتال وزین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به نشر رسیده است:

دور از همه به دامن صحرا افتاده ام  
دیوانه نیستم، مگر اینجا افتاده ام

(اسیر صاحب)

تا که از چشم عزیزان برکنار افتاده ام  
تخته سنگ صخره چون لوح مزار افتاده ام

(تیموری صاحب)

بهر صورت هر یک از جنابان بمن حیثیت استاد گرانقدر را دارند. قراری که حضرت حافظ فرموده:

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف  
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

اگر تلقی به گستاخی نشود، به اجازه شان سروده ای دارم به اقتفاء از غزل جناب تیموری صاحب که تقدیم میدارم. امید است افتخار نشر را کمائی بدارد.

قطره آبم جدا از جویبار افتاده ام	اشک چشم روزگارم بیقرار افتاده ام
آه سرد رفتگانم چون غبار افتاده ام	سایه ابر سیاهم بر در و دیوار عشق
شعله بی آشم از خود کنار افتاده ام	قصه از یاد رفته در دیار دیگران
خود جدا شمع صفت کنج مزار افتاده ام	موجسه طوفان یاسم اندرون شهر دل
در مسیر باد و طوفان انتظار افتاده ام	توتۀ ابر بهارم، بر دم خورشید صبح
زیر پای نخل هستی دور از بهار افتاده ام	برگ خشک اندر خزانم تا جدا از شاخه ام
ناتوان در گوشه ای دور از نگار افتاده ام	شاخه بشکسته خشکیده فصل بهار

بر هریم دل ننگجد درد و رنج آشنا      بینوا در جمع یاران بی دیار افتاده ام  
ناعلاج است سخت یاران درد دوری و فراق  
رائق از هجر کسی سینه فگار افتاده ام